نگاه

زمینه‌های تقابل میان کارگر و کارفرما



مزد مناسب و حفظ کرامت انسانی در تامین معاش، نیاز اصلی جامعه کارگری ایران است؛ جامعه‌ای که با اخراج، تعدیل نیرو و حقوق معوقه همواره بزرگترین قربانی بحران‌های اقتصادی و سیاسی است.

تعدیل نیرو، دستمزد معوقه، رواج قراردادهای کوتاه مدت، تشدید حوادث حین کار،اعتصاب، اخراج و احضار، شاخص محیط‌های کارگری در سال‌های اخیر بوده است. حداقل دستمزد کفاف یک سوم هزینه یک خانوار کارگری چهارنفری را نمی‌دهد. تعدیل نیرو در واحدهای تولیدی به بهانه‌هایی چون رکود اقتصادی، تحریم، کمبود مواد اولیه، افت تولید، کسری منابع مالی، نبود بازار و یا مازاد نیرو به طور مستمر انجام می شود. بسیاری از واحدهای تولیدی کوچک و متوسط که بنیه مالی محدودی دارند، در سه سال گذشته یا ورشکسته شده‌اند و یا پیشاپیش کارکنان خود را مرخص کرده و به کار خاتمه داده‌اند. آمار دقیقی از واحدهای کاری تعطیل شده یا ورشکسته وجود ندارد. پاره‌ای کارگاه‌ها و کارخانه‌ها نیز با دوسوم یا یک دوم ظرفیت حقیقی خود کار می کنند. حقوق معوقه کارکنان بسیاری واحدها گاه به شش ماه نیز می‌رسد. واحدهایی هم هستند که مطالبات معوقه از دولت دارند و در واقع مطالبات خود را روی کارگران سرشکن می کنند.در سالی که گذشت،بخش قابل توجهی از اوقات کارگران به جای کار و تولید، صرف تجمع در برابر دفتر رئیس کارگاه و کارخانه یا گردهمایی در برابر مجلس، وزارت کار یا نهادهای ذیربط دیگر شد.

طبق آمار بدست آمده از سرشماری سال ۱۳۹۵، بیش از ۱۴ میلیون نفر از جمعیت ۸۰ میلیونی ایران را کارگران تشکیل می‌دهند. بر این اساس و با احتساب دامنه ۳.۲ نفری خانوار، حدود ۴۵ میلیون نفر یعنی بیش از ۵۰ درصد از جمعیت به جامعه کارگری اختصاص دارد. این جامعه برای صورتبندی مطالبات و حقوق خودش، در درجه نخست به سازماندهی و تشکل در سندیکاها و اتحادیه‌ها نیاز دارد.

نیاز مبرم جامعه کارگری ایران، امنیت شغلی و پشتگرمی به قانون کار منطبق بر هنجارهای امروزی است. رحمان گلچهره، فعال کارگری در مقاله‌ای می‌نویسد، قوانین کار ایران قرن نوزدهمی است اما کارگران قرن بیست و یکم می‌دانند که برای حداقل مزد ماهانه ۵میلیون تومان و امکان ۳۵ ساعت کار در هفته، به دانش اقتصادی خاصی نیاز ندارند: «در عصر رشد غول‌آسای تکنولوژی‌ها، ظرفیت دانش و بارآوری کار، در کنار کوهی از انباشت ثروت که دارد غارت می‌شود، رفاه با استانداردهای موجود جهان متمدن، حق طبقه کارگر ایران است»

از جمله نواقص قانون کار ایران، موجه بودن قراردادهای کوتاه مدت و سفید امضاست که به بازتولید مناسبات ظالمانه می انجامد. حسین راغفر، اقتصاددان و استاد دانشگاه می گوید :«کارگری که کار ندارد، شغل‌اش را از دست داده یا هر لحظه نگران اخراج است، نمی تواند کنش‌مند و مطالبه محور باشد».

سازمان جهانی کار تاکید و توصیه کرده که اگر فردی سه سال متوالی در کارگاهی اشتغال به کار دارد ماهیت آن شغل «مستمر» محسوب شود و نوع قرارداد این کارگر نیز باید از نوع «قرارداد دائم» باشد.دی ماه ۱۳۹۵ غلامرضا عباسی، دبیر کانون عالی انجمن‌های صنفی کارگران ایران گفت: «۹۰درصد کارگران با قراردادهای موقت مشغول کارند. در حالی که سال ۱۳۶۸، میزان قراردادهای موقت در جامعه کارگری ایران ۸درصد بود.»

حسن حبیبی، دبیر کانون هماهنگی‌های شورای اسلامی کار تهران می گوید یک مسئله مهم در بروز اختلافات کارگری و کارفرمایی، نبود توازن قواست: «کارفرما سرمایه، قدرت، حمایت و پشتوانه دارد اما کارگر هیچ‌کدام از اینها را ندارد. به‌واسطه این عدم توازن قواست که کارفرما در بیشتر موارد از قانون تمکین نمی‌کند و خیالش هم راحت است که هیچ‌کس نمی‌تواند چیزی به او بگوید حتی مجریان قانون»

نگاهی به حرکت اعتراضی کارگران ماشین‌سازی اراک

هپکو؛ نماد صنعت به گل نشسته



بر اساس آنچه در خبرها آمده است رسیدگی به مشکلات کارگران شرکت هپکو اراک چندیست که در دستور کار مقامات ذی‌ربط در سطح استان و کشور قرار گرفته و مسوولین ظاهراً مصمم هستند تا در پی خلف وعده های مکرر گام‌های موثری در جهت حل اساسی بحران‌هایی که گریبانگیر این واحد صنعتی قدیمی کشور است، بردارند. با این همه کماکان شاهد ادامه نارضایتی‌ها و خشم فروخورده کارگران هستیم. گزارش حاضر نگاهی گذرا به ریشه این بحران داشته و حکایتگر رنج و ناکامی کارگران کارخانه هپکو دارد.

ریشه اصلی نابسامانی‌های موجود در کارخانه هپکو را باید مانند بسیاری دیگر از واحدهای صنعتی کشور در واگذاری ناکارآمد بنگاه ها به بخش خصوصی دانست. در این مورد مشخص مسئولان موقع واگذاری، اهلیت مالی شرکت هیدرو اطلس را به‌عنوان خریدار جدید هپکو تضمین کرده بودند و تصور این بود که سهامدار جدید در مقام کارفرما به تعهدات خودش عمل خواهد کرد.

فرماندار اراک در تجمع کارگران هپکو در توضیح تغییر سهامدار گفته است: «برای راه‌اندازی هپکو سرمایه‌ای حدود ۱۰۰ میلیارد تومان برای خرید تجهیزات و مواد اولیه و پرداخت حقوق لازم بود که او این اعتبار را نداشت و تنها بدهی‌های هپکو را قبول کرده بود.»

حسین بختیاری افزوده که سهامدار فاقد یک تیم تخصصی و قوی برای برطرف کردن مشکلات بود و برنامه‌ای هم برای راه‌اندازی ارائه نکرد. او استعفای سهامدار را ناشی از پیگیری فرمانداری دانسته اما گفته که برکناری سهامدار، مطالبه کارگران هپکو بود

فرماندار اراک اعلام کرده که از این به بعد همه تصمیمات هپکو را هیات مدیره و مدیرعاملی خواهند گرفت که مسئولان استانی و کشوری در تعیین‌شان نقش داشته باشند. ماشین‌سازی هپکو که در سال ۱۳۵۴ تاسیس شد، روزگاری «نگین تولید و مونتاژ ماشین‌آلات صنعتی خاورمیانه» خوانده می‌شد. فعالیت کارخانه هپکو در اراک در سال ۱۳۵۴ با همکاری شرکت‌های بین‌المللی و در حوزه تولید و مونتاژ ماشین‌آلات صنعتی آغاز شد. این کارخانه که پس از انقلاب زیر نظارت دولت قرار گرفته بود، از سال ۱۳۸۶ به بخش خصوصی واگذار شد.

اعتراض کارگران فقط مرتبط با دستمزدهای معوق نیست؛ کارخانه عملا تعطیل است و آنها نگران سرنوشت هپکو و آینده شغلی خود هستند. به گفته یکی از این کارگران: «شرکتی به این عظمت را رها کرده‌اند. این شرکت یتیم شده و هیچ کس به فکرش نیست»

هپکو اما از اوایل دهه ۹۰ با مشکلات جدی مواجه شد که نتیجه‌اش را از جمله می توان در حرکت‌های اعتراضی مکرر کارگران این کارخانه طی سال‌های گذشته دید. دلیل عمده این اعتراض‌ها عدم دریافت حقوق و مشکلات صنفی بوده است.البته اعتراض کارگران فقط مرتبط با دستمزدهای معوق نیست؛ کارخانه عملا تعطیل است و آنها نگران سرنوشت هپکو و آینده شغلی خود هستند. تولید هپکو که زمانی سالانه ۲۴۰۰ دستگاه ماشین آلات صنعتی بوده، اینک به ۸ دستگاه در سال رسیده است. به گفته کارگران این کارخانه، تولید سال ۹۵ هپکو هم ۱۴ دستگاه بوده است. در کارخانه‌ای که زمانی حدود دو هزار نفر به کار اشتغال داشت، اینک طبق بالاترین آمار ارائه‌شده تنها نزدیک به ۹۰۰ کارگر مشغول به کارند. به گزارش خبرگزاری ایسنا: «کارگران می گویند مدیران مشغول خرید وقت هستند برای اینکه همین تعداد کارگر هم طی سال‌های پیش رو بازنشسته شوند و هپکو برود پی کارش».

ادعاهایی هم در این مورد مطرح شده که «چشم‌مدیران هپکو به ۱۱۵ هکتار زمین آن در بهترین نقطه شهر اراک و این همه دستگاه خاک‌خورده است که بسیاری از آنها در خاور میانه بی‌نظیرند.

این کارخانه در سال ۱۳۸۶ به بخش خصوصی واگذار شد و از دهه ۹۰ به سراشیبی مالی و تولیدی افتاد. تولید هپکو که زمانی ۲۴۰۰ دستگاه ماشین‌آلات صنعتی در سال بود، به شدت کاهش یافته و و دستمزدها سه ماه یک مرتبه پرداخت می‌شود. روزنامه شرق پیش‌تر نوشته است: «زمزمه‌هایی مبنی بر تلاش برای به نابودی کشاندن هپکو شنیده می‌شود؛ تلاش‌هایی که هدفش تعطیلی کارخانه و فروش زمین‌ها و دستگاه‌هایی است که بسیار ارزشمندند.به گفته ابوالفضل پوروفایی، رئیس کانون شورای اسلامی کار استان مرکزی و نایب رئیس کانون عالی شوراهای اسلامی کار ایران، تاکنون «تنها راهکار» دولت برای نجات هپکو، پرداخت وام به این شرکت بوده که «تنها مُسکن است و شرکت را بدهکارتر می کند و بعد از گذشت مدتی، بحران شدیدتر برمی گردد».

یکی از کارگران هپکو به نام «رضا» نیز همین مضمون را به «شرق» گفته است: «۱۹۰ میلیارد تومان از بانک تجارت وام گرفته‌اند. امروز با جریمه و دیرکردش به ۵۰۰ میلیارد تومان رسیده است. شرکتی که زمانی دو شیفت کار می‌کرد، امروز پنج درصد خط تولیدش هم فعال نیست. بیایید ببینید ما چه کار می‌کنیم. از هر ۱۰ نفر دو نفر مشغول کار هستند که واقعا هم اسمش کار نیست. برای انجام پروژه‌هایی است که اصلا کار هپکو نیست». کار هپکو در اصل تولید و مونتاژ ماشین آلات راه‌سازی، معدنی و کشاورزی است. اما «رضا" می گوید: «زمانی اینجا کامیون‌ها صف می کشیدند تا تولیدات ما را ببرند، اما امروز عملا بیکار شده‌ایم. شرکت‌های راه‌سازی و عمران و معادن دولتی از خارج دستگاه تهیه می کنند. دولت قول داده بود سه هزار دستگاه به هپکو سفارش بدهد، اما فقط حرفش شد و رفت و فراموش شد».

ابوالفضل پوروفایی وضعیت کنونی هپکو و دیگر شرکت‌های واگذار شده در جریان "خصوصی‌سازی" را این‌گونه تشریح کرده است: «هنوز وضعیت مدیریتی این شرکت مشخص نیست. اکثر واحدهای تولیدی که در جریان خصوصی‌سازی واگذار شدند، امروز دچار مشکل هستند و واحدهایی که هم نیروی کار متخصص و با تجربه و هم دستگاه‌های تولید دارند، به این حال و روز افتاده‌اند. حل مشکل مدیریتی این شرکت‌ها و خارج کردن آنها از بلاتکلیفی راه چاره است، نه پرداخت وام‌هایی که خودشان مشکل‌زا هستند. کسانی که به هپکو آمدند، نه اهلیت و نه سابقه‌ای در این کار داشتند و چشمشان به زمین‌ها، اموال و دارایی‌های شرکت بود. همین امروز مدیرانی هستند که دنبال فروش املاک هپکو در تهران و جنوب هستند و بهانه آنها نیز پرداخت حقوق است؛ در حالی که این شرکت بیشتر از هر چیزی کار و سفارش می‌خواهد تا بتواند روی پای خودش بایستد».

به گفته فعالان کارگری، وضعیت وخیم کارگران هپکو، از جمله ناتوانی در پرداخت اجاره و خرج خانه، ناامیدی از آینده، بدهکاری و از دست دادن اموال به خاطر ناتوانی در پرداخت اقساط وام‌های بانکی، حتی باعث بروز طلاق و جدایی در میان چندین خانواده از کارکنان این شرکت شده است

هم شرکت و هم کارگران هر دو بدهکارند. به گفته کارگران هپکو، برخی از آنان هنوز طلبکار معوقات سال ۹۵ خود هستند. برخی از بازنشستگان شرکت نیز به دلیل پرداخت نشدن حقوق بازنشستگی‌شان، رأی توقیف اموال را از دادگاه می گیرند و با چنین احکامی اقدام به بردن وسایل کارخانه می کنند. بانک‌ها هم در اقدامی مشابه اموال کارخانه را تصرف می‌کنند.

تصویر خبرگزاری ایسنا از این کارخانه کاملا گویاست: «هپکو واقعی‌ترین مصداق کشتی به گل نشسته است. تنها کافی است گذری در محیط کارگاهی کارخانه داشته باشید و تجهیزات سنگین خاک‌گرفته این مجموعه را ببینید؛ نظاره‌ای که چیزی جز آه و حسرت در پی ندارد».در چنین شرایطی وزارتخانه‌های "راه و شهرسازی" و «کشور» برای خروج از بحران، پیشنهاد خرید محصولات هپکو را مطرح کرده‌اند. اما طبق گفته عباس آخوندی، وزیر راه و شهرسازی ایران، این پیشنهاد «مشروط به تأمین منابع از طریق سازمان برنامه و بودجه» است. ایسنا نوشته است که چنین پیشنهادی گرچه «در صورت اجرا نیز حکم مسکن موقت را دارد»، اما می‌توانسته «قبل از بروز تنش‌های اخیر عملیاتی شود".

آخوندی مدتی پیش برای چندمین بار وعده رفع مشکلات کارگران هپکو را داده و گفته بود که «تصمیمات لازم» در این خصوص «به‌طور قطع» اتخاذ خواهد شد.

اما داود میرزایی، دبیر اجرایی خانه کارگر اراک، با اشاره به حرکت‌های اعتراضی اخیر کارگران هپکو، گفته است که «برای جمع کردن این اعتراضات باید شخص رئیس جمهور وارد شود». او با اشاره به ناتوانی استانداری اراک در حل مشکلات کارگران و با تأکید بر اینکه «این کارگران فعال سیاسی نیستند» افزوده است: مشکل هپکو یک بلای طبیعی بزرگ مانند سیل و زلزله است و باید ستاد مدیریت بحران کشور با دستور شخص رئیس جمهور این مشکل را برطرف کنند». رئیس جمهور اما هنوز واکنشی به این درخواست نشان نداده است. گرچه در پی اعتراضات کارگران هپکو در سال گذشته (۱۳۹۶)، با دخالت روحانی دو ماه از معوقات دستمزدی آنان پرداخت شد، کارگران اما دوباره با همین معضل مواجه شدند.

تولید هپکو که زمانی سالانه ۲۴۰۰ دستگاه ماشین آلات صنعتی بوده، اینک به ۸ دستگاه در سال رسیده است. در کارخانه‌ای که زمانی حدود دو هزار نیروی کار داشت، اینک طبق بالاترین آمار ارائه‌شده تنها نزدیک به ۹۰۰ کارگر مشغول به کارند

اعتراض کارگران هپکو سابقه‌ای طولانی دارد. آنها از جمله در دی‌ماه سال ۹۵ نیز برای ۸ روز متوالی تجمعات اعتراضی داشتند. این اعتراضات البته همیشه شکل آرام و کم‌حاشیه روزهای گذشته را نداشته و گاه با خشونت همراه بوده است. در نخستین روز دور جدید اعتراضات هپکو در روز ۲۳ اردیبهشت نیز یکی از کارگران که قصد خودکشی داشت، توسط همکاران‌ش نجات یافت. به گفته فعالان کارگری، وضعیت وخیم کارگران هپکو، از جمله ناتوانی در پرداخت اجاره و خرج خانه، ناامیدی از آینده، بدهکاری و از دست دادن اموال به خاطر ناتوانی در پرداخت اقساط وام‌های بانکی، حتی باعث بروز طلاق و جدایی در میان چندین خانواده از کارکنان این شرکت شده است. به گفته یکی از این کارگران: «شرکتی به این عظمت را رها کرده‌اند. این شرکت یتیم شده و هیچ‌کس به فکرش نیست».

